

توافق برد-برد اوراسیایی



ضرورت اقتصادی یا فشار اجتماعی؟

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: جبهه مقاومت چگونه توانست

در یک نبرد ۱۶ ماهه با رژیم صهیونیستی به پیروزی برسد

جنگی که بردیم

رژیم صهیونیستی هم در حوزه نظامی و هم در حوزه امنیتی

در موقعیت ضعیف تری نسبت به قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ قرار دارد



عکس: اشاعی از فرود آمدن موشک‌های ایران در سقز سرزمین‌های اشغالی فلسطین، عملیات «وعدۀ صادق ۲»

تیتیر های امر وز

مراسم انتقال قدرت به رئیس جمهور جدید آمریکا به خاطر نگرانی‌های حفاظتی در فضای سرپوشیده برگزار شد

تحلیف امنیتی



انتخاب ۳ دستیار ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور مربوط به هالیوود، نشان از عزم ترامپ برای تقابل جدی با اهالی سینما دارد

کاخ سفید

علیه هالیوود

مخفات ۷-و

«وطن امروز» از خالی فروشی برخی پلنفرم‌های فروش آنلاین طلا گزارش می‌دهد

چشم‌بندی طلا

ذخیره طلای مردم به بیش از ۱۲ تن رسیده است اما برخی قربانی معاملات آنلاین شده‌اند

صفحه ۳-

بررسی وضعیت بلاکلیف قیمت دارو و علل گرانی آن که هزینه‌های درمان را افزایش داده است

درد مزمن دارو

اعتبار یک میلیارد دلاری، فرصتی طلایی برای اقدامات پایدار و عبور از بحران دارویی

صفحه ۴-

برنامه‌ها را برای اجرا نشدن

نمی نویسند

نگاه

مصطفی نصری

برنامه‌ریزی کلان در کشور، نقشه راهی است که به منظور پیشبرد اهداف ملی و تحقق چشم‌اندازهای توسعه تدوین می‌شود. بیانیه گام دوم انقلاب و برنامه هفتم پیشرفت، ۲ سند مهم هستند که مسیر آینده کشور را تعیین می‌کنند. در این میان، محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور با اظهارات اخیر خود مبنی بر اینکه «لژیوی دولت همه بندهای برنامه اجرایی را کند»، بحث‌های بسیاری را برانگیخته است. این اظهارات نتهت‌نا با اصول برنامه‌ریزی کشور در تضاد است، بلکه پرسش‌هایی جدی را درباره رویکرد دولت به این برنامه‌ها ایجاد کرده است. اظهارات اخیر محمدرضا عارف درباره عدم الزام به اجرای تمام بندهای برنامه پیشرفت، نشان‌دهنده گسردگی برای نظام برنامه‌ریزی کشور داشته باشد. دولت‌ها موظفند به برنامه‌های کلان پایبند باشند و در صورت مواجهه با مشکلات اجرایی، به جای نفی برنامه، با شفافیت و صداقت با مردم صحبت کنند.

فلسفه برنامه‌ریزی را زیر سوال نبرید

برنامه‌های پیشرفت به عنوان اسناد راهبردی، محورهای کلیدی برای پیشرفت کشور را در حوزه‌های مختلف مانند اقتصاد، علم و فناوری، فرهنگ و سیاست خارجی تعیین می‌کنند. برنامه هفتم پیشرفت نیز با توجه به این بیانیه تدوین شده و هدف آن، ارائه راهکارهای عملی برای رفع مشکلات است. این برنامه‌ها با صرف هزینه‌های قابل توجه و مشارکت گسترده نخبگان و کارشناسان کشور تهیه می‌شوند. بنابراین انتظار می‌رود دولت‌ها به اجرای دقیق این برنامه‌ها متعهد باشند اما اظهارات اخیر عارف مبنی بر عدم الزام به اجرای تمام بندهای برنامه، این تعهد را زیر سوال برده است. اینکه دولتی نتواند به دلایل محدودیت‌های مالی، ساختاری یا اجرایی، تمام بندهای یک برنامه کلان را اجرا کند، قابل فهم است اما اینکه به صورت رسمی اعلام شود «لژیوی به اجرای برنامه وجود ندارد»، به معنای نفی کل فلسفه برنامه‌ریزی است. وقتی دولت به طور رسمی اعلام کند به برنامه‌های کلان پایبند نیست، این پیام به مردم منتقل می‌شود که نظام دولت‌ها برنامه‌ها پیشرفت را به دلخواه اجرا کنند، چرا هزینه‌های قابل توجهی صرف تدوین آنها می‌شود؟ عدم تعهد به برنامه‌های کلان، موجب تغییرات مداوم در سیاست‌گذاری‌ها خواهد شد که این موضوع بویژه در حوزه‌های عمرانی اثرات منفی دارد.

ادامه در صفحه ۶

گزارش

امیرعباس نوری

با اجرای آتش‌بس در غزه، یک خط تحلیلی هم در خارج ایران و هم در ایران پرنگ شده است که می‌گوید حالا رژیم صهیونیستی با فراغ بال سراغ ایران می‌آید و هم در بعد نظامی و هم در بعد امنیتی، عملیات‌هایی را علیه ایران انجام خواهد داد. این خط تحلیلی را عمدتاً ۴ نوع رسانه پوشش یا به آن ضریب می‌دهند.

دسته نخست رسانه‌های صهیونیستی یا برخی رسانه‌های غربی هستند و تلاش می‌کنند تا نامی‌های رژیم صهیونیستی را با مطرح و برجسته کردن این خط تحلیلی جبران کنند. هدف دیگر آنها از مطرح کردن گزاره اقدام احتمالی رژیم صهیونیستی، پیگیری پروژه تشدید بسته فشار علیه ایران است. عمده این رسانه‌ها، تشدید فشار بر ایران را در قالب امتیازگیری پای میز مذاکرات احتمالی دنبال می‌کنند.

دسته دوم رسانه‌های فارسی‌زبان ضد ایرانی هستند. این رسانه‌ها که طی ماه‌های اخیر تلاش کردند روایت پیروزی رژیم صهیونیستی مقابل جبهه مقاومت را دست‌مچ و تثبیت کنند، اکنون که ماجرای آتش‌بس نافی روایت آنها در پیروزی نتانیاها است، تلاش می‌کنند با ایجاد یک تهدید بزرگ‌تر و این بار علیه ایران، برای رژیم صهیونیستی اعتبار بخزند. هدف دیگر آنها نیز دینال کردن پروژه ایجاد تهدات و ناامنی روانی در جامعه ایران است. ضمن اینکه بخش قابل توجهی از این رسانه‌ها تلاش می‌کنند با پیگیری ادعای اقدامات احتمالی رژیم صهیونیستی علیه ایران، تهدید ایران را تقویت و معتبر کنند تا به زعم خود شناسان اجرایی شدن آن را افزایش دهند.

دسته سوم و چهارم شامل رسانه‌ها و افراد داخلی می‌شوند.

دسته سوم افراد یا رسانه‌هایی هستند که کارکرد آنها هم‌افزایی با پروژه‌های دشمن است. این رسانه‌ها که عمدتاً در طیف حامیان دولت به حساب می‌آیند، بر این عقیده‌اند برجسته‌سازی تهدیدات رژیم صهیونیستی علیه ایران می‌تواند در تقویت کانال مذاکرات و توافق احتمالی با آمریکا و اروپا موثر واقع شود. از همین رو با انتشار مطالبی، با خط ادعایی اقدامات نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی علیه ایران هم‌افزایی می‌کنند.

دسته چهارم، رسانه‌ها و افرادی هستند که در مجموع در درون جبهه انقلاب تعریف می‌شوند یا دست‌کم خودشان چنین ادعایی دارند اما به واسطه انتقاداتی که نسبت به عملکرد جبهه مقاومت در جنگ ۱۶ ماهه اخیر با رژیم صهیونیستی دارند، تقویت خط ادعایی حملات نظامی و فتنه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی علیه ایران را در راستای اثبات درستی انتقادات خود نسبت به عملکرد جبهه مقاومت و ایران ارزیابی می‌کنند. به معنای ساده‌تر، این دسته از افراد و رسانه‌ها تصور می‌کنند برجسته‌سازی یا ضریب دادن به مطالبی درباره اقدام نظامی یا اقدامات امنیتی رژیم صهیونیستی علیه ایران، به معنای تأیید نفع‌های آنان نسبت به عملکرد جبهه مقاومت و ایران در جنگ ۱۶ ماهه اخیر است. این افراد و رسانه‌ها معتقدند اقدامات و سیاست‌های ایران و جبهه مقاومت در مقابله با رژیم

همه از کان و اضلاع مقاومت انجام دهند.

اما برخلاف تصور حامیان رژیم صهیونیستی یا آن بخش از علاقه‌مندان جبهه مقاومت که منتقد عملکرد مقاومت در ۱۶ ماه گذشته هستند، رژیم صهیونیستی حالا با یک مشکل بزرگ مواجه است. خرابکاری‌های امنیتی این رژیم، از جمله ترور و انفجار در کشورهای هدف، دیگر همانند دوره زمانی قبل از ۷ اکتبر کم‌هزینه نخواهد بود. عملیات توفان الاقصی یک فرمت جدید از آسیب‌زدن به رژیم صهیونیستی را خلق، تثبیت و عادی‌سازی کرد و قاعدتاً دست مقاومت برای تکرار توفان الاقصی در سطوح مختلف کاملاً باز است. ضمن اینکه طی ۱۶ ماه جنگ با رژیم صهیونیستی، مقاومت اقدامات امنیتی متنوعی در درون سرزمین‌های اشغالی انجام داده است؛ اقداماتی که هم باعث شده صهیونیست‌ها از ظرفیت، توانمندی و دسترسی‌های مقاومت برای انجام عملیات در سرزمین‌های اشغالی مطلع شوند. این عملیات‌ها در ۱۶ ماه گذشته عادی‌سازی شده است و جبهه مقاومت می‌تواند در مقابل اقدامات تروریستی رژیم صهیونیستی، اقدامات تلافی‌جویانه‌ای علیه این رژیم و منافع آن در درون سرزمین‌های اشغالی یا بیرون از آن انجام دهد. البته باز هم ذکر این نکته ضروری است که مقاومت فلسطینی در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ یک حد نصاب جدیدی از ضربه‌زدن به این رژیم را ثبت کرد و صهیونیست‌ها در ۱۶ ماه گذشته نتوانستند اقدامی را انجام دهند که مانع تکرار توفان الاقصی یا عملیات‌هایی مشابه و در سطوح مختلف شود. آنچه باعث شده هنگام تصویب آتش‌بس در کابینه نتانیاها، عده‌ای از اعضای کابینه به گریه و زاری بیفتند یا امثال بن‌گوریر را مجبور به استعفا کرده و امثال اسموئیلیج را در استانه جدایی از دولت نتانیاها قرار داده، همین واقعیت است. اساساً اگر کارشناسان خبره دنیا می‌گویند این آتش‌بس، به معنای شکست رژیم صهیونیستی و پیروزی مقاومت است، استنادشان به همین واقعیت است که ضمن توانست به هدف خود از توفان الاقصی برسد و ضمن آسیب‌پذیر نشان دادن رژیم صهیونیستی، سطح بالایی از ضربه به رژیم صهیونیستی را تثبیت و دوره‌های جدید از حملات علیه این رژیم را پایه‌گذاری کند. بنابراین دوران جدیدی در مقابله مقاومت با رژیم صهیونیستی واکنش به اقدامات ضدامنیتی رژیم صهیونیستی بسیار بازر از گذشته است. به همین خاطر همه کارشناسان و رسانه‌ها در تحلیل و ارزیابی طراحی‌ها و اقدامات ضدامنیتی رژیم صهیونیستی علیه ایران و سایر ابعاد مقاومت باید یک گزاره جدید را اعمال کنند و آن ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و پیامدهای امنیتی عملیات توفان الاقصی برای این رژیم است. هر اظهار نظر، خبر یا تحلیلی که این گزاره جدید را در ارزیابی طراحی‌های ضد امنیتی

رژیم صهیونیستی اعمال نکند، قطعاً به خطر افتاده است و اینکه با تعدد پیگیری عملیات روانی رژیم صهیونیستی علیه ایران است یا ناخواسته درگیر جنگ روانی رژیم و بازی در زمین مطلوب او است.

۲- بعد نظامی: بگذراید این بخش را با یک سوال شروع کنیم: چرا رژیم صهیونیستی ناچار به پذیرش آتش‌بس با حماس شد؟

پاسخ این سوال را می‌توان در ۲ حوزه داد:

الف- وضعیت رژیم صهیونیستی: نزدیک به ۱۶ ماه جنگ، رژیم صهیونیستی را در چه موقعیتی قرار داد؟ واقعیت این است که در حوزه میدانی و در بعد نظامی، رژیم صهیونیستی نتوانست به هیچ‌کدام از اهداف خود در جبهه‌های مختلف جنگ برسد.

جبهه غزه برای صهیونیست‌ها یک شکست تمام‌عیار بود. صهیونیست‌ها ۲ هدف را در غزه مشخص اعلام کردند: نابودی حماس و آزاد کردن اسرا. رژیم صهیونیستی برای رسیدن به این ۲ هدف، بیشترین و بی‌سابقه‌ترین هزینه‌ها را در کل تاریخ پیدایش خود متحمل شد. قتل‌عام و نسل‌کشی ۵۰ هزار نفر در غزه که بیشترشان زن و کودک بودند، باعث منفور شدن این رژیم در افکار عمومی دنیا شد. بی‌اعتبار شدن رژیم در مجامع بین‌المللی و در مناسبات با سایر کشورها و صدر حکم بازداشت نتانیاها و گاللات بخشی از این هزینه‌هاست اما در مقابل به هیچ‌یک از این ۲ هدف نرسیدند. تقریباً همه کارشناسان و تحلیلگران معتبر در دنیا بر شکست رژیم صهیونیستی در غزه تأکید کرده‌اند.

در لبنان توفیقات رژیم صهیونیستی صرفاً به اقدامات امنیتی محدود شد. ماجرای انفجار پیجرها و ترسور فرماندهان عالی‌رتبه و رهبران حزب‌الله ضربه‌های سنگینی به حزب‌الله وارد کرد و دستاوردهای بزرگی برای رژیم صهیونیستی بود اما در بعد نظامی، صهیونیست‌ها به هدف اصلی خود که از بین بردن حزب‌الله و بازگشت شهر کنشینان به شمال سرزمین‌های اشغالی بود نرسیدند. نابودی حزب‌الله و بازگشت شهر کنشینان گزاره‌هایی نیست که ما مطرح کرده باشیم. هم نتانیاها، هم گاللات و هم سایر مقامات رژیم صهیونیستی همگام با حمله به لبنان، صراحتاً این موضوعات را به عنوان اهداف خود مطرح کردند اما پس از نزدیک به ۲ ماه، به هیچ‌کدام از اهداف خود نرسیدند. بویژه در جنگ زمینی، آنها به دیوار محکم رزمندگان حزب‌الله خوردند. جز چند نقطه محدود در چند سترتی مرز، آنها نتوانستند موضعی را حتی در ۵ کیلومتری عمق خاک لبنان تثبیت کنند. در حالی که در ابتدا بنا داشتند تا رود لیتانی که در عمق ۲۰ کیلومتری خاک لبنان است نفوذ کنند. از طرف دیگر، تاروز آتش‌بس حملات موشکی و پهپادی حزب‌الله به شمال، و تل‌آویو ادامه داشت و این مانع بازگشت شهر کنشینان به شمال سرزمین‌های اشغالی شد. حتی پس از آتش‌بس نیز شهر کنشینان همچنان از بازگشت به خانه‌های غصبی خود امتناع کرده‌اند. بنابراین در حوزه نظامی، آنها نه تنها نتوانستند به اهداف اعلامی خود برسند، بلکه به مرور متحمل خسارات بزرگی نیز شدند که از آن جمله می‌توان به حملات موشکی موفق حزب‌الله به تل‌آویو اشاره کرد. حملات موفق حزب‌الله به تل‌آویو برای نخستین‌بار در